

ماه مه

و

زگاہی گذرا

بہ وضعیت

جنبش کارگری



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

نگاهی گذرابه وضعیت جنبش کارگری

امسال نیز اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که متأسفانه همبستگی بیولتاریای بین المللی نه تنها از يك تداوم آگاهانه وارگانیک برخوردار نیست بلکه در اوج از هم گسیختگی است .

اگر در گذشته، همبستگی جهانی بیولتاریا در اول ماه مه، به اعتبار یک ارتباط نسبتاً " هماهنگ، وارگانیک بین المللی (انترناسیونال) — به صورت یک نیروی مادی و معنوی خود را می نمایاند، اکنون این همبستگی بیشتر خود را در قالبی صوری، از نقطه نظر مراسم همزمان و گرامی داشت ظاهری روز معینی، بیان میکند . این روز بزرگ جهانی اگر چه هنوز اعتبار خود را بیشتر کم حفظ کرده، اما اکنون آن نیروی عظیم فشار و مقابله با بورژوازی را به همراه ندارد .

اکنون اول ماه مه نه تنها نیروی سازمان یافته معنوی و مادی — نیرومندی در سطح بین المللی در پشت سر خود ندارد بلکه در سطح ملی نیز در اکثر کشورها از حمایت فعالی برخوردار نیست و حتی از جانب بسیاری از اتحادیه های مزد، به بهائی اندک با بورژوازی مورد معامله قرار میگیرد .

بهم ریختن آن نیروی مادی و معنوی، لازم که بتواند این روز را
بمثابه بیانی واقعی از هویت و صف آرای طبقاتی پرولتاریا در سطح
بین‌المللی در آورد، چیزی نیست که فقط از يك زاویه اخلاقی و یا صرفاً
روحی قابل توضیح باشد، بلکه بایستی بیش از هر چیز در يك بازنگری
انتقادی از اوضاع و شرایط کنونی و از نظر عینی و ذهنی جستجو گردد.
این بازنگری انتقادی، باید بتواند شرایط کنونی جهان سرمایه‌داری را در
همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی آن مورد ارزیابی و تحلیل
قرار دهد و موقعیت و جایگاه صحیح پرولتاریا را از درون شرایط اجتماعی
کنونی استخراج نموده و از این طریق در راه ایجاد ملزومات معنوی
و مادی همبستگی پرولتاریای بین‌المللی، گامی مهم بردارد.

علیرغم این همه نابسامانیهای جدی در همبستگی پرولتاریا،
با تأکید میتوان گفت که پرولتاریا جایگاه خود را در رأس همه مبارزاتی
که بر علیه کلیه مظاهر استثمار و ستمگری وجود داشته است همچنان
حفظ نموده و از اقشار غیر پرولتری، خود را کاملاً متمایز نموده است.
این تمایز چه از نظر تداوم و پیگیری و چه از نظر وسعت و روح مبارزاتی،
کاملاً عیان بوده است.

اگر نتوان ارتباط و تداوم کلی، — سا آگاهانه و ناملموس
موجود (بویژه از نظر ریشه عینی و اقتصادی) در این مبارزات را در

سطح بین‌المللی انکار نمود ولی متأسفانه این ارتباط و تداوم سالهای
مدیدی است که دیگر حالت آگاهانه مشخص و ملموس ندارد و مبارزات —
پرولتاریا (بویژه از نظر ذهنی و سازمانی) بصورتی اتفاقی ، منقطع ،
کوتاه ، محدود و صنفی خود را به نمایش در آورده است .

این خصلتهای تأسف بار بنحوی بوده که مبارزه جهانی پرولتاریا
اگر در بهترین حالت خود در سطوح ملی دارای توسعه چند جانبه
عمودی واقعی بوده ولی فاقد چنین گسترشی در سطح بین‌المللی بوده
است. این امتیاز نیز در سطوح ملی بصورت نسبی در جاهایی میسر
بوده است که پرولتاریا بر متن د مکراسی بورژوازی حداقل دارای نیروی
سازمان یافته اتحادیه‌ای مهمی بوده یا اینکه بر متن يك دوران انقلابی
قرار داشته که نظم کنترل کننده بورژوازی فلج بوده است .

این از هم گسیختگی و فقدان همبستگی و انسجام ملموس نه تنها
پرولتاریا را از حالت يك طبقه بین‌المللی فعال " برای خود " باز
داشته است بلکه او را از هدایت ، ارتباط و سازمان دهی فعال
مبارزات انقلابی سایر توده‌های زحمتکش که بنابه خصوصیت ساختاری
طبقاتی خود از پراکندگی و عدم ارتباط وسیعی رنج می‌برند نیز عاجز
می‌ساخته است .

ارتباط و سازمان یابی و تثمین تداوم جنبش انقلابی کارگری در —

بهترین حالت خود، زمانی امکان پذیر است که بیرولتاریای جهانی قادر باشد تئوری انقلاب را در جهت رهائی خویش وکل بشریت بطور مداوم مورد نقد، بازسازی و ارتقا قرار دهد و این امر هم در صورتی می تواند میسر باشد که در گام اول، همه قیود منجمد کننده و خشک سنت پرستی و قالب سازی را از نگرش خویش بدور بریزد و این تئوری را بصورت ارگانیک، بسوی یک برنامه و تاکتیک انقلابی هدایت کند .

ارتباط و سازماندهی بیرولتاریا یک موضوع صرفاً فنی و تکنیکی نیست بلکه یک نیروی مادی است که در توازن قوای طبقاتی در سطح بین المللی وارد محاسبه جدی و قابل توجهی می شود . این ارتباط امکانی ایجاد میکند که بیرولتاریای حتی کوچک و ضعیف سازمان یافته، در این یا آن کشور عقب افتاده، میتواند با تخذیه از نیروی مادی و معنوی همزمان بین المللی خود، به نیروی بسیار قوی تر از تناسبعدهی و سازمانی خود در جامعه ملی، تبدیل شود و دهها بار امکان بیشتری برای هدایت، ارتباط و سازماندهی توده های زحمتکش دیگر دست آورد .

همه آنچه را که در بالا گفتیم باید با این پیش شرط پذیرفت که سازمان یابی بیرولتاریا نیز خود را بریک زمینه معنوی نیرومند درون خود آن استوار نموده باشد و نه اینکه از یک سرهم بنسبی

بوروکراتیک از بالا و بیگانه با پرولتاریا ناشی شده باشد . سازماندهی پرولتاریا هم نه در یک قالب و شکل خاص بلکه از همه جوانب آن که در ترکیبی ارگانیک از همه اشکال خود بخودی و آگاهانه به تکمیل همدیگر در سطوح متفاوت می بردازند دیده شود . این نکته مهم را هم نباید نادیده گرفت که مبارزات پرولتاریا اگر چه عمدتاً " بصورت حوادث جداگانه و اتفاقی جلوه می نموده است اما نه تنها در کشورهای آمریکای لاتین ، آسیا و آفریقا بلکه در اروپا نیز تا حدودی خود را با نیروی سرشار از خشم و انزجار و در مواردی بصورت کاملاً " انفجار آمیز نشان می داده است .

* * *

اما این خصوصیات در ایران با فشار و خفقان زائد الوصفی در آمیخته و پرولتاریا را بیش از هر جای دیگری مورد شکنجه و آزار قرار داده است . ایران فقط از آن جهت متمایز نبوده است که میدان کشتار ، اعدام و زندان بی حساب و تفتیش عقاید بوده است بلکه در ضمن ، عرصه تاخت و تاز باند هائی بوده است که با همه خصوصیات عقب گرائی ایدئولوژیکی ، جنگ افروزی و طفیلی گری خود بقای جامعه امروزی را فقط از طریق تولید و باز تولید مناسبات سرمایه داری می توانند محافظت کنند . کنترل و دخالت گروه های فشار و سرکوب ایدئولوژیکی

باباندهای سیاه سرکوب و جنایت پلیسی، زندگی خصوصی و محیط
فعالیت کارگران و زحمتکشانشان را بطور مداوم دچار فشار و خفقان می‌نموده
است. • اخراج، جریمه جنگی و غیر جنگی، کاهش دستمزدها و مزایا،
گسیل به جبهه، دستگیری و زندان، شکنجه و اعدام از معمولی‌ترین
شیوه‌هایی بوده است که رژیم جمهوری اسلامی هرگز در مورد اجرای
آنها بخود تردید راه نداده است. • بطور خلاصه می‌توان گفت که
تمام تلاش رژیم برایین بوده است که ابتدا این‌ترین حقوق انسانی را -
از کارگران سلب نموده و آنها را منطبق با قوانین اسلامی ۱۴۰۰ سال
پیش هم‌طراز با بردگان سازد.

با حاکمیت جمهوری اسلامی که زاید آشکاری از فساد و تباهی
و سردرگمی سرمایه‌داری جهانی است، طبقه کارگر ایران، به سیاه‌ترین
دوران حیات خود وارد شده است. • اکنون بیرولتاریا در اثر جنگه
قحطی، بحران اقتصادی و تعطیلی کارخانجات، بمباران مناطق
صنعتی و نیز اعزام اجباری به جبهه، بیش از هر زمان، ارتباطات
درونی خویش را به مثابه یک طبقه از دست داده است و دچار پراکندگی
و اغتشاش وسیعی شده است. • بخش عظیمی از سپاه کارگری ایران از
محیط کارخانه و ارتباط ملموس و ضروری اقتصادی کنده شده و به صورت
دستفروش و دوره‌گرد، تاکسی‌ران و غیره منفرد و متمیزه شده و در شرایط

عدم امکان وجود تشکیلات کارگری علنی و نیرومند ، فاقد نیروی فشار
و مبارزه فعال و مؤثر شده است .

با وجود اینها، پرولتاریای ایران که در سالهای وحشت آوری

پس از سال ۱۳۶۰، وارد دوران تازه‌ای شده ، قهرمانیهای زیادی
از خود نشان داده است . مقاومت و اعتراض آنها در موارد زیادی ،
رژیم را از پیشرویهای مورد انتظارش باز داشته . بطوری که رژیم
هرگز قادر نبوده است مطابق برنامه‌ها و اهداف خود، بیکارسازیها
را توسعه بدهد و قانون کار مطلوب خویش را به تصویب برساند — دویا
ساعات کار را افزایش داده و مزد ها و مزایا را مطابق دلخواه خویشش
کاهش بدهد .

مبارزات پرولتاریای ایران با آنکه بر تارک مبارزات همه نیروهای
توده‌ای دیگر می‌درخشیده است، اما کاملاً فاقد ارتباط و ادامه بوده
است . خصلت حادثه‌ای و اتفاقی‌ای که در مبارزات جهانی پرولتاریا
به چشم می‌خورده ، در میان کارگران ایران در همان سطح ملی
نیز کاملاً بوضوح دیده می‌شده است . یکی از مهمترین عواملی که
موجب می‌شده است پرولتاریای ایران از مقدماتی‌ترین استقلال هم
برخوردار نباشد تا بصورت نیروئی بی‌توان در برابر بورژوازی و کلیه
نیروهای سرکوبگر و ضد دموکراتیک مقابله نماید ، شاید این باشد که

پرولتاریای ایران هنوز نتوانسته است (عمدتاً بخاطر خفقان و سرکوب
بیش از حد حاکم بر ایران و نیز بمیزان کمتری سکتاریسم تندگ نظرانه
نهفته در درک و نگرش چپ ایران) از یک سنت مبارزاتی اتحادیهای
دمکراتیک برخوردار باشد . تجربیات تاریخی بخوبی نشان می دهند
که سطوح متفاوت سازمانی و ارتباط کاری ، حتی اتحادیه
آن ، تا چه اندازه در ایجاد یک توازن قوای لازم، برای محافظت از
دستاوردهای دمکراتیک و فضای حتی الامکان بازتر برای فعالیت
وسیع و علنی پرولتاریا و طبعا " پرورش وی، ضروری است .

بیدایش تشکلات باید از و وسیع کاریبارج دمکراتیک
وید وراز هر گونه قیود و شرط گذاریهای محدود کننده و ملال آور -
سکتاریستی در ایران، بصورت نیازی خود نمائی می کند که می تواند
تا حدودی به ضمانت دستاوردهای انقلابی - دمکراتیک در شرایط
لازم بپردازد . تشکلات کاری (تشکلات اعتصاب شکن و یاندهای
سیاه سرکوب، خود بخود مجزای شوند) مسلماً " نمی توانند در مقابل
یکدیگر - از جمله حزب یا احزاب کمونیستی - قرار بگیرند بلکه آنها
در سطوح متفاوت می توانند ارتباط طبقاتی پرولتاریا را برقرار نموده،
و دوام ببخشند .

کارگران ایران لازم است این تجربه تاریخی و حتی ملی

را دریافته و چپ‌ها نیز با درس‌گیری از شرایط گذشته و حال، این درس‌تاریخی را آموخته و کار ببندند. • پرولتاریای ایران متأسفانه در شرایطی قرار دارد که نمی‌تواند اول ماه مه را با ابراز روح همبستگی و استقلال خویش برگزار نماید چون در کشوری که ششادی و لبخند جرم است تجمع مستقل کارگری و جنبش ماه مه چیزی جز جنایت بحساب نمی‌آید. •

اکنون بیش از هر زمانی نیازهای جدیدی در مقابل نیروهای کمونیستی قرار گرفته است تا با پاسخ به آنها شعارهای ماندگار "کارگران جهان متحد شوید" و کارگران فقط بدست خویش، خود را نجات میدهند، "روح زنده و محتوای جدیدی بیابند. • این محتوا و باید با درك زنده و پویای شرایط کنونی جهان سرمایه‌داری، بیان شود که رهایی واقعی پرولتاریا و همه بشریت از درون آن می‌گذرد. • بدون توضیح همه جانبه آن شرایط، امکان استخراج صحیح برنامه و تاکتیک پرولتاریا و طبعاً "روح همبستگی و وحدت ارگانیک و آگاهانه مبارزاتی در سطح بین‌المللی، مشکل است بوجود آید. • توضیح این شرایط نه تنها موقعیت همه جانبه عینی و ذهنی خارج از پرولتاریا بلکه خود او را نیز در همه جوانبش در بر می‌گیرد. •

زنده باد همبستگی جهانی پرولتاریا!
زنده باد اول ماه مه!
زنده باد سوسیالیسم!
مرگ بر سرمایه داری جهانی!
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

دانشجویان ایرانی هوادار سابق سازمان بیکار ۰۰۰

اول مه ۱۹۸۷

گوشه‌ای از تاریخ مبارزات طبقه کارگر در ماه مه ۱۸۸۶

اول ماه مه حاصل جانفشانیهای قهرمانانه ای است که در ۱۰۱ سال پیش کارگران آمریکا برای ۸ ساعت کار روزانه از خود نشان دادند. رشد اتحاد جهانی کارگران توانست بعد از ۳ سال، آن روز را بصورت یک روز جهانی در آورد. اول ماه مه در معنای اولیه خویش اعلان جنگ، پرولتاریای بین‌المللی بر علیه بورژوازی بین‌المللی بود. روزی بود که روح همبستگی و وحدت پرولتاریا در سراسر جهان بیانی آشکار می‌یافت. اول ماه مه جشن پیروزی کارگران در عرصه بیکاری بورژوازی و نیز بیان آمادگی بیشتر برای جنگ هر چه قاطعانه تر علیه بورژوازی بین‌المللی بود. اما اکنون دشمنان آشکار و پنهان — پرولتاریا به اشکال متفاوت تلاش می‌کنند آن را از معنای مبارزه جویانه و اتحاد عمیق انقلابی خود، تهی نمایند.

پس از آنکه طبقه کارگر با مبارزات خونین خود توانسته است دستاوردهایش را بصورت سنت‌های نسبتاً پایدار در آورد، بورژوازی سعی کرده است تاریخ خونین مبارزاتی گذشته را پنهان نموده وزیرکانه اعلام نماید که دست‌آورد ها از الطاف گرانبهای بشرد و ستانه و کارگرد و ستانه آن ناشی شده است. سپس رفرمیست‌ها و صاحبان — امتیاز جنبش کارگری هم به صدا در آمده و به تأیید این خصائص

" انسانی " اربابان خویش می پردازند تا از این راه از خشونت
و انقلاب بپرهیز شود و شرافت شهروندان سرمایه دار محفوظ بماند !
روح انقلابی و آموزنده مبارزات کارگران بفراموشی سپرده شود و تاریخ
خونین جنبش کارگری به تاریخ الطاف قانونی در پارلمان های بورژوازی
تبدیل شود .

با اول ماه مه نیز چنین رفتاری می شود . آنجا که بورژوازی در
مقابل نیروی عظیم و سازمان یافته طبقه کارگر روبروست و یا خطراتی را
پیش بینی می کند ، تلاش دارد اول ماه مه را به تصرف خود در آورد تا
آن را حتی الامکان بتواند بی ضرر نموده و فاقد نیروی همبستگی و روح
انترنالیستی پرولتری بنماید ولی آنجا که بورژوازی با چنین نیروئیی
روبروست و یا خطراتی و محتمل را احساس نمی کند ، نه تنها آن را برسمیت
نمی شناسد ، بلکه در موارد زیادی بسرکوب خونین هر گونه مظاهر آن نیز
می پردازد .

عظمت مبارزات ۱۸۸۶ برای ۸ ساعت کار زمانی روشن می شود
که برای يك مقایسه ساده ، ساعات کار امروز را در نظر بگیریم . می بینیم
که نسبت به آن زمان در این مورد هنوز يك پیشروی قابل توجهی دیده
نمی شود . اگر چه ۸ ساعت کار در روز در اغلب کشورها بصورت
قانونی در آمده است ولی عملاً " در کشورهای که پرولتاریا متشکل

نیست و از سنتهای پایداری برخوردار نمی باشد، به اجرا در نمی آید. سرعت فراگیر شدن ۸ ساعت کار روزانه در سطح بین المللی، در سایه ارتباط عظیمی بوده که همراه با رشد سرمایه داری نه تنها رقابت درونی آن را تشدید می کرده بلکه روح همبستگی و مبارزاتی پرولتاریای جهانی را نیز بالا می برده است .

کارگران با این دستاورد خود توانستند با سرعت زمینه های توسعه و ارتقاء آگاهی خود را بوجود آورده و به تکامل و گسترش ارتباطات و سازماندهی خویش بپردازند . کارگران در مقایسه با ساعات کار قبلی که گاه به ۲۰ ساعت هم می رسید، بیش از هر زمانی فرصت انسانی کردن موجودیت خود را یافتند . آنها توانستند مستقلاً در فعالیتهای فرهنگی و سیاسی درگیر شده ، به سازماندهی و پرورش روحی خویش پرداخته و با نیروی تفکر و اندیشه مستقل خود ،

دستاورد های فرهنگی و سیاسی وسیعتری ارائه نمایند . با این دستاورد عظیم دوران آغاز میشود که برای رهائی پرولتاریا به دست خودش گامی بسیار بلند و بی سابقه برداشته میشود .

اگرچه همه دستاوردهای انقلابی و دمکراتیک در جوامع مدرن، به نحوی نتیجه مبارزات و تلاشهای بی دریغ توده های زحمتکش و ویژه طبقه کارگر است ولی گویا مقدر شده است که تا وقتی پرولتاریا

قادر نباشد از نظر سیاسی و فرهنگی سلطه خویش را اعمال نماید، همه
 این دستاوردها، حتی آنجا که به صورت سنتهای پایدار جامعه درمی آیند،
 نه به نام بیرولتاریا، بلکه به نام بورژوازی ثبت و اعلام گردند.
 اگر اول ماه مه به صورت یک روز جهانی در آمد، خود نتیجه
 ارتباط و همبستگی طبقاتی ای بود که در سطح بین المللی بخود
 مادیت می بخشید. و اکنون اگر چه بسیاری، این دست آوردها را
 طبیعی می شمارند، ولی آشنائی با تاریخ مبارزات کارگری، هر
 کسی را از این زود باوریهی احمقانه ای که بورژوازی دامن می زند و بابه
 حساب فضیلت و انسان دوستی پدرانۀ خویش می گذارد بیرون می آورد.
 بازگویی مکرر گوشه هایی از تاریخ سالهای خونین ۱۸۸۶ نه تنها از آن
 جهت ضروری است که بسیاری از رجزخوانیهای دروغین بورژوازی و
 نوکرانش را برملا می کند بلکه خصلت طبقاتی خصمانه بورژوازی را در مقابل
 بیرولتاریا روشن میسازد.

سابقه مبارزه برای ۸ ساعت کار در آمریکا به سال ۱۸۶۶ می رسد
 به زمانی که اتحادیه ملی کار (N.L.U.) در جلسه مؤسس خود تحت
 رهبری سیلوینس قطعه نامه ای به مضمون زیر به تصویب رساند:

" ضرورت اولیه و همه جانبه شرایط کنونی، آزاد ساختن کارگران
 این کشور از بردگی سرمایه داری و به تصویب رساندن قانونی است

که ۸ ساعت کار به صورت کار عادی روزانه، در تمام ایالات متحده امریکا در آید. • ما تاکید می کنیم که نیروی خود را برای رسیدن به این نتیجه شکوهمند باید بسیج نمائیم.

پس از آن در سپتامبر سال ۱۸۶۶، کنگره ژنوا انترناسیونال اول، با عبارت زیر به تأیید آن پرداخت. • "محدودیت قانونی روزانه کار، شرط اولیه‌ای است که بدون آن تلاش‌های بیشتر به منظور بهبودی ورهائی طبقه کارگری فایده می ماند. ••• کنگره ۸ ساعت کار را حد قانونی روزانه کار پیشنهاد می کند."

بعد از آن کارگران امریکا آن را به پلاتفرم عمومی مبارزات خویش تبدیل نمودند و کنفرانس ملی کار نیز آن را تأیید و اعلام نمود.

در سالهای ۱۸۸۲ و ۱۸۸۴ لازمه کاهش ساعات روزانه کار، با تأکید مجدد مطرح شد بطوری که در سال ۱۸۸۴ فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سازمان یافته ایالات متحده و کانادا اعلام نمود که: "۸ ساعت کار روزانه بایستی از مه سال ۱۸۸۶ بصورت قانونی در آید."

در اواسط آوریل ۱۸۸۶ در حدود ۲۵۰ هزار کارگر درگیر مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه قانونی بودند. در اول ماه مه ۱۸۸۶ این نیروی عظیم اجتماعی حضور خود را بطور ملموس نشان داد و نیروی

در حدود ۵۰۰ هزار کارگر را از ۱۱۵۶۲ کارگاه و کارخانه در برمی گرفت که مستقیماً " دست به عمل اعتصاب زده بودند . شعله های فروزان - جنبش کارگری در شیکاگو که مرکز اصلی جنبش رادیکال و سازمان یافته بود، نیویورک، بلتیمور، واشنگتن، میلواکی، سنت لوئیس، پیتربورگ، دیترویت و سایر شهرها زبانه کشید و نیروی وسیعی از کارگران غیر متشکل و ساده را هم در بر گرفت .

در حالی که بخشی از کارگران به ۸ ساعت کار روزانه دست یافته بودند، بخش دیگر به اعتصاب فلج کننده خود برای همان هدف ادامه می دادند . سرمایه داران که به وحشت مرگ آوری افتاده بودند در صدد انتقام و خنثی سازی برآمدند، بطوری که برای مقابله با جنبش کارگری " کمیته شهروندان " را ایجاد کردند . ضد حمله سرمایه داران متوجه سازمان یافته ترین بخش کارگری در کارخانه مک کورمیک، جایی که کارگران به ۸ ساعت کار روزانه و افزایش دستمزدها و توقف قطع دستمزدها رسیده بودند گردید . ۴۰۰ کارگر را از کارخانه بیرون ریختند (لاک اوت) .

در سوم ماه مه در همان کارخانه، پلیس از ۳۰۰ اعتصاب شکن محافظت می کرد و وقتی کارگران با دست خالی به اعتراض پرداختند، پلیس برویشان آتش گشود که در اثر آن عده ای کشته و تعدادی زخمی

شدند . در روز ۴ مه ، کارگران بسرعت يك گرد همایی توده‌ای در میدان
" های مارکت " عصر همانروز تشکیل دادند که در آن هزاران نفر
مرد ، زن و کودک شرکت جستند . درست قبل از پایان گرد همایی
به ۱۸۰ پلیس مسلح که بوسیله کاپیتان بون فیلد که به وحشیگری
معروف بود ، رهبری می شدند ، دستور داده شد که گرد همایی
را برهم بزنند . در این موقع بمبی پرتاب شد که به قتل يك پلیس
انجامید . پلیس به این بهانه آتش گشود و در اثر آن چندین نفر
از کارگران کشته و ۲۰۰ نفر زخمی گشتند .

بعد از پرتاب بمب صدها تن از کارگران دستگیر شدند و از میان
آنها ۸ تن از رهبران فعال جنبش کارگری یعنی آلبرت پارسون ، اوت
سپیز ، ساموئل فیلد ، یوجن شواب ، آدولف فیشر ، جورج انجل ،
لوئیس لینگ و اسکار نیب برای محاکمه برگزیده شده و به قتل متهم
شدند . در حالی که بجز يك نفر از آنها که در هنگام بمباندازی
مشغول سخنرانی بود ، هیچکدام در آن گرد همایی حضور نداشتند .
آنها متهم شدند که با سخنان و تبلیغات خود موجب تشویق بمب
اندازان شده بودند . براین اساس محاکمه‌ای طولانی ، پیچیده ،
مضحک و شیرانه آغاز شد که در آن بوضوح " بی طرفی " دستگاه قضائی

برملا گردید ، بطوری که " سبیز " اعلام نمود که :

" در خطاب به این دادگاه من به عنوان نماینده‌ای از یک طبقه با

نمایندۀ طبقه دیگر سخن می گویم اگر شما تصور می کنید که با
داردن ما می توانید جنبش کارگری ریشه کن کنید ، جنبشی که از آن
میلیونها ستمدیده است ، میلیونها ستمدیده‌ای که گرفتار نیماز
وتهدیدستی هستند و انتظارهایی دارند ؛ اگر تصور شما این است آن
موقع ما را در برزینید !

اینجا شما پا روی یک جرعه می گذارید . اما آنجا در پشت سر ،

در جلوی شما و هر کجا شعله هازباله می کشند . این یک آتش زیر
خاکستر است . شما نمی توانید آن را خاموش کنید ! "

بورژوازی فعالان جنبش کارگری را محکم بمرگ نمود و در ۱۱ نوامبر

۱۸۸۷ ، چهارتن از این ۸ نفر را بنامهای پارسون ، سبیز ، انجل

وفیشر به دار زدند . اکنون این قهرمانان طبقه کارگر در تاریخ به

شهادت " های مارکت " معروفند . لوئیس لینگ بعداً " در باز-

داشتگاه پلیس جان باخت و سه تن دیگر بعد از شش سال در اثر

فشارهای زیادی آزاد شده و بی گناه اعلام شدند .

جوانقلابی مبارزه در آن روزها وقتی روشن می شود که سخنان

یکی از کارگران اعدامی را بیاد آوریم که مطرح نمود :

" اگر زندگی من باید به دفاع از اصول سوسیالیسم خدمت کند، آنطور که من آنرا میفهمم و با افتخار ایمان دارم که نفع بشریت در آن است، من بشما اعلام می‌کنم که با خوشحالی، زندگانی خود را تقدیم خواهم کرد. این قیمت بسیار کمی برای چنین دستاورد های بزرگی است."

روح انقلابی جنبش کارگری جهانی که اکنون از طرف بورژوازی — آمریکا هم چون توطئه شیطانهای سرخ در خارج از آمریکا قلمداد می‌شود هیچ چیز وحشت آوری نیست بلکه بیش از هر چیز سنت ماندگار پدران پرولتاریای خود امریکا است که همچنان می‌درخشد. جوشش انقلابی آندوران را می‌توان در اعلامیه‌ای دید که يك سازمان مارکسیستی بصورت زیر نگاهشته بود:

" جنگ طبقاتی آغاز شده است. دیروز در مقابل کارخانه "مک کورمیک" کارگران را به گلوله بستند. خون آنها انتقام می‌طلبد. چه کسی می‌تواند شك کند که گرگهایی که بر ما حکومت می‌کنند تشنه خون کارگرانند؟

اما کارگران بره نیستند، آنها پاسخ ترور سفید را با ترور سرخ خواهند داد. ارزش مرگ از زندگی فلاکتبار، بیشتر است. اگر کارگران را به گلوله ببندند، ما هم به همان شیوه که کار-

— فرمایان ما برای مدتهای طولانی عمل کرده‌اند پاسخ خواهیم گفت.
 این بخاطر ضرورت است که ما اعلام می‌داریم " مسلح شوید! "
 د یروز زنان وکودکان تهیدست بر مرگ شوهران وپدران تیر خوردند —
 شان گریستند . در همان زمانی که ثروتمندان در کاخها گیلاسهای
 بر از شراب گرانقیمت شان رابه سلامتی برقراری نظم می نوشیدند .
 ای شمائی که در رنجید ، اشکهای خود را خشک کنید!
 نترسید ، بردگان بپا خیزید!

آری نتیجه جسارت انقلابی وپهای خون آن مبارزان راه رهائی طبقه
 کارگر، شمره‌ای است که هرگز فراموش شدنی نیست : ۸ ساعت کار در روز
 بعدا در سال ۱۸۸۹ ، همزمان با شکل گیری انترناسیونال
 دوم، روزاول ماه مه، از جانب این سازمان بین المللی کارگران ، به روز
 جهانی کارگر تبدیل شد ودر سال ۱۸۹۰ بصورت گسترده‌ای در —
 کشورهای، اطریش، مجارستان ، بلژیک ، آلمان ، دانمارک ، اسپانیا ،
 ایتالیا، ایالات متحده ، نروژ ، فرانسه ، سوئد وچند کشور دیگر ودر
 بریتانیا هم در روز ۴ مه ۱۸۹۰ برگزار گردید .

بعد ابا انقلاب کبیر اکتبر در روسیه، خون تازه‌ای در رگهای
 جنبش کارگری جهانی وارد شد ودر مقابله با رفرمیسم ورویزونیسم
 گسترده ، روح انقلابی پرولتاریا را بطور بسیار گسترده ای تقویت نمود،

ولی متأسفانه این وضعیت با روح همبستگی آزاد و انقلابی خود
دیری نیائید .

با استفاده از منابع زیر :

- ۱- تاریخ ماه مه ۰ ترانچن برگ (۱۹۳۵) بزبان انگلیسی
- ۲- اول ماه مه ۱۹۸۶ - کاونتری ترید رکونسل - ۱۸۸۶ .
- ۳- " کمونیست " ۷ " حزب کمونیست ایران " .
- ۴- انسیکلوپد یای بزرگ روس
- ۵- مجموعه‌ای از اسناد و پوستره‌های اول ماه مه در سالهای
مختلف (بزبان آلمانی) .
- همه طرحها از منابع ۲ و ۵ استخراج شده اند .

Attention Workingmen!

MASS-MEETING

TO-NIGHT, at 7.30 o'clock,

HAYMARKET, Randolph St., Bet. Desplaines and Halsted.

Good Speakers will be present to denounce the latest atrocious act of the police, the shooting of our fellow-workmen yesterday afternoon.

Workingmen Arm Yourselves and Appear in Full Force!

THE EXECUTIVE COMMITTEE.

Achtung Arbeiter!

G r o ß e

Massen-Versammlung

Heute Abend, halb 8 Uhr, auf dem
Seumarkt, Randolph-Strasse, zwischen
Desplaines. u. Halsted-Str.

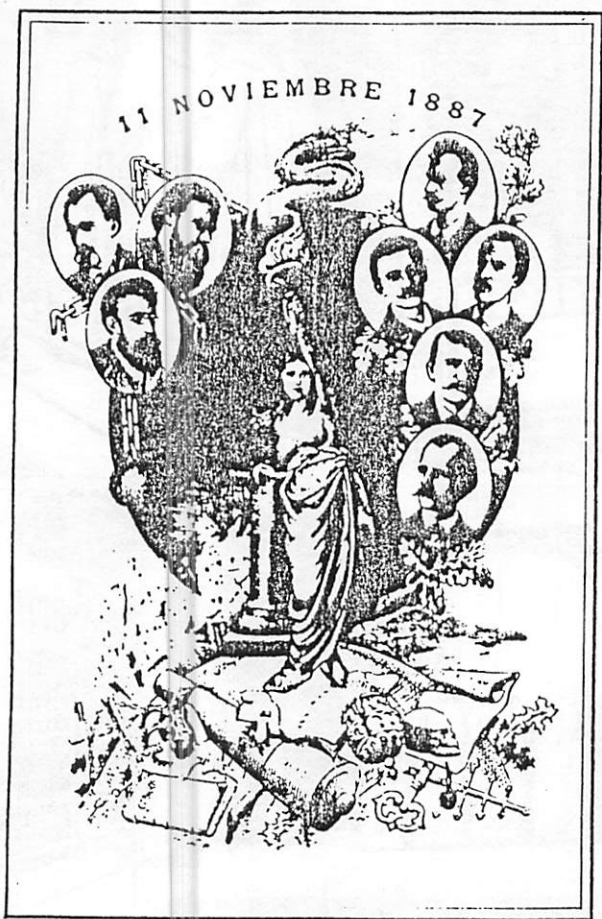
☞ Gute Redner werden den neuesten Schurkenstreich der Polizei, indem sie gestern-Nachmittag unsere Brüder erschoss, geißeln.

☞ Arbeiter, bewaffnet Euch und erscheint massenhaft!

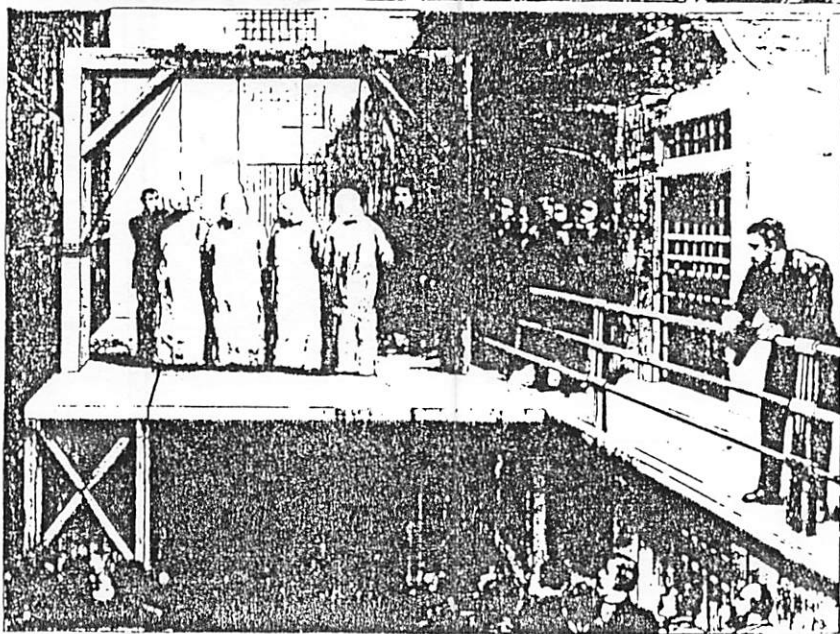
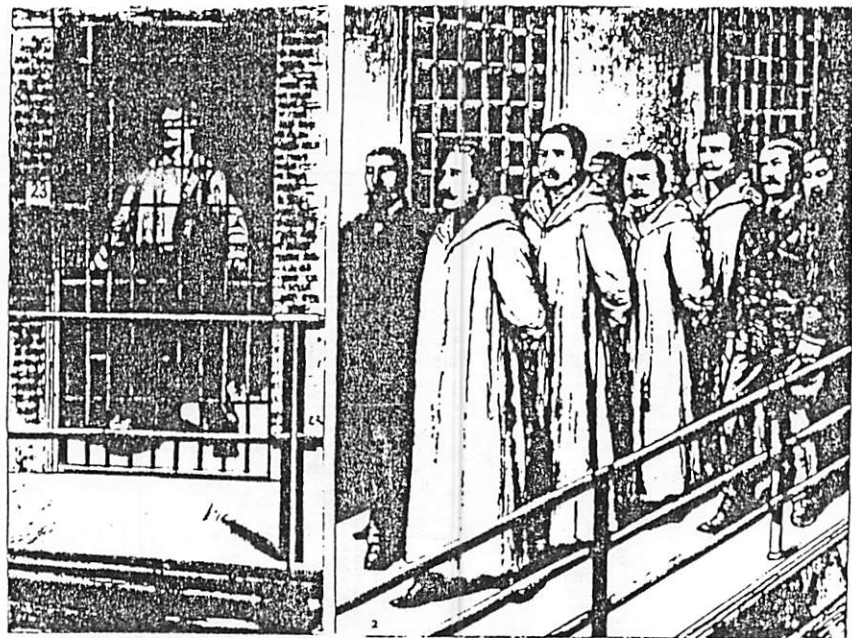
Das Exectiv-Comite.

نسخه تاریخی اعلامیه‌ای که از کارگران دعوت نموده تا به افشای حملات

پلیس در تظاهرات روز اول ماه مه گوش فرادهند. (۱۸۸۶)



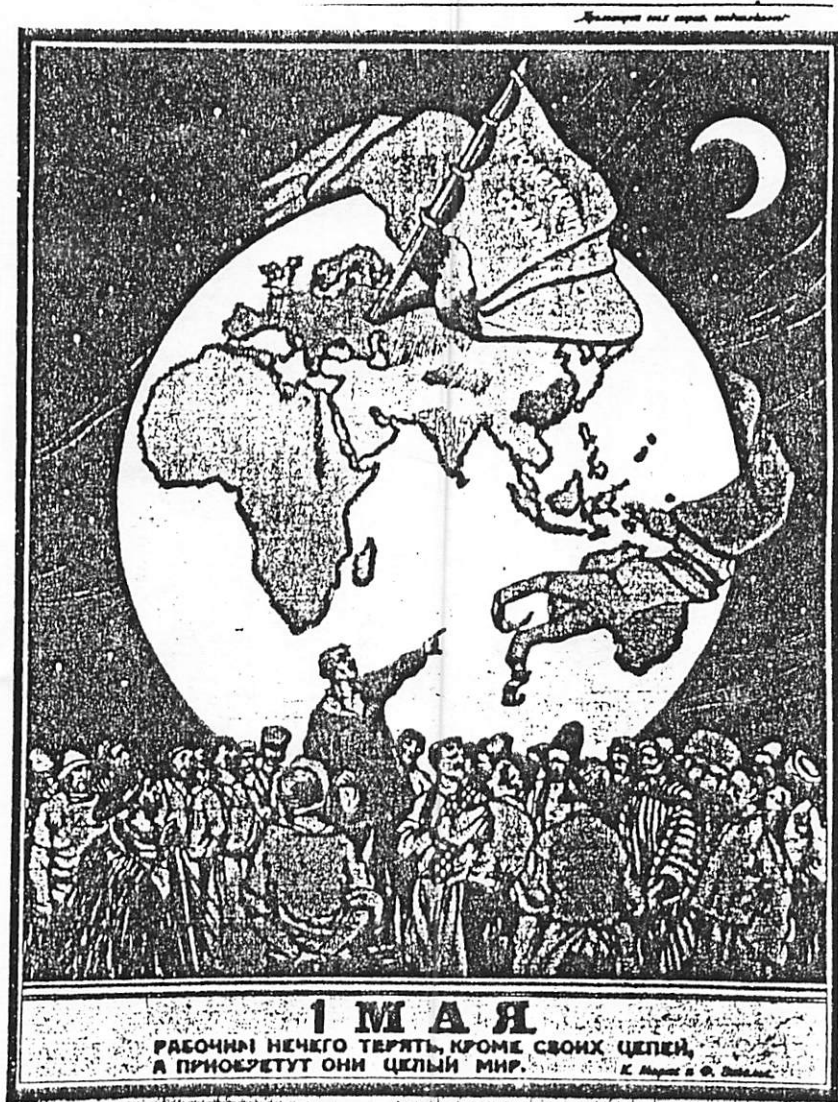
رهبران جنبش کارگری که در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ محاکمه شدند



صحنه‌هایی از زندان و اعدام رهبران جنبش کارگری در نوامبر ۱۸۸۷



پوسترا از سال ۱۹۲۰



Plakat, 1.5.1920 (IML/M)

پوستری در رابطه با اول ماه مه سال ۱۹۲۰ در شوروی



THE GOAL: GRAND INTERNATIONAL MATCH FOR MONEY BY SOCIALIST SCORERS V. CAPITALIST SCORERS. Socialist (centre forward) - Want to keep it all to y^rself, do you? - well, that's our goal, anyway.

طرحی از سال ۱۹۰۴ بمناسبت اول ماه مه

بدین وسیله به اطلاع مه‌رسانیم که سری آثار کلاسیک زیر موجود میباشد
ملائندان باین آثار میتوانند جهت تهیه آنها با آدرس زیر تماس
بگیرند .

I S U U
BOX 2115
900 02 UMEÅ-SWEDEN

- ۱ - مجموعه سخنرانیها در کنگره‌های انترناسیونال کمونیستی لنین
- ۲ - اعتلای انقلابی و مرحله انقلاب لنین
- ۳ - اپرولوزی آلمانی ک. مارکس - انگلس
- ۴ - فقر فلسفه ک. مارکس
- ۵ - نقد اعتماد سیاسی ک. مارکس
- ۶ - هجدهم برورلوش بنامارت ک. مارکس
- ۷ - گزند سه اولین ترجمه بفارسی بهار ۱۳۰۶ ک. مارکس
- ۸ - مبارزات طبقاتی در فرانسه ک. مارکس
- ۹ - توسعه سرمایه داری در روسیه لنین
- ۱۰ - درباره "سرمایه" مارکس انگلس

برای تهیه کتابهای زیر نیز می‌توانید با آدرس فوق تماس بگیرید .

- ۱ - از بن بست آقای رجوی تا فداکاری آقای ابریشمچی
- ۲ - بازنده (داستانی از دستگیری، شکنجه و تسلیم قاسم عابدینی)
- ۳ - از آرمانی که می‌جوشد

(یادنامه‌ای از صد هاتن از رفقای شهید سازمان بیکار)

۴ - دو مقاله :

(نقدی بر مواضع " حزب کمونیست ایران ")

۵ - سقوط بنهای نفت و چشم انداز اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

دانشجویان ایرانی هوادار سابق سازمان پیکار ۰۰۰

اول ماه مه ۱۹۸۷